



درسنامه‌ی درس: چهاردهم

شجاعت

معنی لغات

ایستادگی: مقاومت	نهراسد: نترسد	پسندیده: خوب، نیکو
خودداری: دوری	مکان ناامن: جای خطرناک	عاقبت: سرانجام
کمال: آراستگی	متانت: سنجیده رفتار کردن	چاره جویی: تدبیر و چاره اندیشی
صحنه ی نبرد: میدان جنگ	شریفی: بزرگواری	همنوع: دویا چند نفر که از یک نوع باشند
نکوهیده: زشت	بی دلیل: بدون علت	رخ دهد: اتفاق بیفتد
جهل: نادانی	اتفاق: حادثه	تضمین می کند: برعهده می گیرد

واژه های املائی

شجاعت-حوادث-نهراسد-پسندیده-سرعت- می پرهیزد-خودداری-عاقبت-متانت-چاره جویی-

وظیفه-همنوع-تدبیر-نکوهیده-تصمیم-زلزله-تصادف-مثلا-موفقیت-اصلی-پدیده های ترسناک-

چراغ-دروغین-آگاهی

کلمه های متضاد

رنج ها: خوشی ها	ناپسند: پسندیده	نامن: امن	ترسو: شجاع	موفقیت: شکست	اصلی: فرعی
درمان: درد	سلامت: بیماری	تاریکی: روشنایی	تلخی: شیرینی	دروغین: راستین	نترسیدن: ترسیدن

کلمات هم خانواده

نترسیدن: ترسیده، ترسو	اندازه: انداختن، انداخته	شریف: اشرف، شرافت	نکوهیده: نکوهش، نکوهیدن
موفقیت: توفیق، موفق	جهل: جاهل، مجهول	جراح: مجروح، جراحت	دفاع: مدافع، تدافع



ترکیب وصفی: موصوف+صفت: دوستان خوب

ترکیب اضافی: مضاف +مضاف الیه: مدرسه ایران

راه شناخت ترکیب وصفی از اضافی

- به آخر ترکیب (تر) اضافه کنید اگر معنی بدهد، وصفی است. دوست من: دوست من تر(اضافی)
- میان ترکیب (بسیار یا خیلی) قرار دهیم اگر معنی بدهد، وصفی است. کوه بلند - کوه بسیار بلند (وصفی)
- به اول ترکیب (این) و به آخر (است) اضافه کنیم معنی بدهد وصفی است. انسان شریف: این انسان شریف است.(وصفی)

مجمع آموزشی عماد